**حضرت علی اکبر (ع) در کلام امام خمینی (ره)**

حضرت امام خمينی (قدس سره) در درس اخلاقشان فرمودند: تمام مدايح و گفتار اهل بيت (عليهم السلام) خصوصاً حضرت اباعبدالله (عليه السلام) در مورد حضرت علی اکبر (عليه السلام) حاکی از اين است که اگر علی اکبر (عليه السلام) در کربلا به شهادت نمی رسيد، خود، امام « مفترض الطاعه » می بود. ( يعنی امامی که اطاعت او واجب است) . در اين مختصر بهتر است به يک نمونه از کرامات ايشان بپردازيم:
فردی به نام حاج عبدعون، برادرش را که به مرض سختی دچار شده بود نزد حافظ الصحه، يکی از سه پزشک معروف کربلا مي برد. پس از چند ماه معالجه سودی نمی کند و هر روز حال او بدتر می شود عبدعون نزد پزشک می رود و سخنان زشتی به او می گويد و خطاب می کند که:اسمت خيلی بزرگ است ولی از معالجه تو سودی نديديم. بعد بدون خداحافظی می رود. ولی بر خلاف انتظار از آن روز به بعد حال برادرش بهتر می شود و يک دفعه شفا می يابد. نزد حافظ الصحه می رود و عذر خواهی می کند.
طبيب می گويد: بنشين تا برايت بگويم. من بعد از سخنان تو خيلی دل شکسته شدم. ظهر، هنگام ادای نماز به حضرت علی اکبر (عليه السلام) متوسل شدم و عرض کردم ای نور چشم حسين (عليه السلام) تو را به حق پدرت قسم می دهم که شفای اين مريض را از خدا بخواه. ديدی چگونه به من توهين کرد؟ بسيار گريه کردم. همان شب در خواب خدمت آقا علی اکبر (عليه السلام) شرف ياب شدم عرض ادب کردم و همان مطلب را تکرار کردم. فرمودند: من شفای آن مريض را از خدا خواستم و از هاتفی شنيدم که « اين مريض مردنی است و تا نه روز ديگر ميميرد ولی به برکت دعا و شفاعت شما خدا با شفای او سی سال به عمرش افزوده است و از همين ساعت او را شفا داديم.» آن مرد سی سال ديگر عمر کرد و در هفتاد سالگی در گذشت. وصيت کرد پيکرش را پايين پای حضرت علی اکبر (عليه السلام) دفن کنند.
منبع: کتاب «خورشيد جوانان»

نويسنده: سید محمد رضا حسینی